

تحریم اسکار!



فیلم دارای پتانسیل اولیه را در سبد معرفی به اسکار قرار داد، چه اصراری ست بر این کار؟ بهتر است کمی واقع نگر باشیم و ببینیم وقتی سیاست گذاری یا ریل گذاری مدیران سینمایی ثبت فیلم های پر فروش در جدول اکران داخلی و ر کور دشکنی فروش بلیت در سینمای وطنی بوده و میدان فیلم سازی برای جشنواره های خارجی به فیلمسازان ایرانی زیرزمینی ساز واگذار شده، چرا باید با فانوس به دنبال فیلم موفق بین المللی برای ارائه به اسکار بگردیم؟

سرانجام فیلم «در آغوش درخت» ساخته بابک خواجه پاشا به عنوان نماینده سینمای ایران راهی اسکار شد. یاد یکی از آن سال ها افتادیم که متولیان سینمای ایران از ارائه فیلم «نمایند سینمای ایران» به «آکادمی اسکار» ناامید شده بودند، دست پیش گرفتند و اعلام کردند که ما اسکار را به این دلیل و آن دلیل تحریم می کنیم! البته در آن سال هم یک فیلم به آکادمی اسکار معرفی شد و اتفاقی هم برایش نیفتاد... گذشته از شوخی، در سالی که هیچ فیلم رسمی از سینمای ایران، در خشکی برای معرفی به آکادمی نداشت چه دلیلی دارد که بر حسب عادت، دست به چنین کاری بزنیم و فیلمی را که هیچ شانسی ندارد، به اسکار بفرستیم؟ در سال های خوب سینمای ما که «پچه های آسمان» از ایران به آکادمی معرفی می شد و نامزد بهترین فیلم خارجی را به عنوان اولین افتخار ایران در تاریخ اسکار به نام خود سند می زد، یا حتی در سال هایی که علی رغم التهاب فرهنگی داخلی، اصغر فرهادی می توانست با «جدایی...» برنده اسکار در همین رشته شود و سال ها بعد که با «فروشنده» در کسب این موفقیت، «دبل» کند، سینمای رسمی جشنواره ای ما در قید حیات بود. یعنی گاهی از بین یکی دو فیلم مثلا «فروشنده» بخش موفق تری داشت و احتمال موفقیتش بیشتر بود و به همین دلیل به آکادمی معرفی می شد. در برخی سال ها هم چنین نبوده ایم یا اتفاقا ما نماینده قوی داشته ایم و تعداد فیلم خوب غیر انگلیسی زبان ار سال شده از کشورهای دیگر بیشتر بوده و این شانس ما را کاهش داده است. حالا در شرایطی که نهایتا بتوان تعداد محدودی

جریان طبیعی یا غیرطبیعی!؟



وقتی صحبت از پروانه ساخت فیلم های سینمایی می شود، عده ای می گویند به بخش خصوصی و فیلمسازان اعتماد کنید، آنها می توانند بدون مجوز ساخت فیلم بسازند و فیلم شان روی پرده برود و... حتی حذف پروانه ساخت به یکی از مطالبات اهالی سینما از رئیس جمهور در تبلیغات انتخاباتی بدل می شود و... در ماه گذشته، چندین و چند مورد در شبکه نمایش خانگی داشتیم که مطالبه از آن سو اتفاق افتاد و بسیاری افراد و تشکل ها نسبت به مسامحه در مورد فلان سریال یا برنامه شبکه خانگی نوشتند و بخش بدون مجوز آثار از پلتفرم ها محل بحث قرار گرفت. به هر حال کماکان این یک سوال تاریخی در کشور ماست که تولید و نمایش بدون مجوز آثار یک جریان طبیعی است و یا تولید و نمایش بامجوز آثار؟ و این پرسش وجود دارد که جریان غیرطبیعی چیست؟! (این ماجرا به جز در دهه شصت در پیش از انقلاب هم وجود داشته). و این که آیا می شود به سیاق کشورهای مترقی، در جه بندی سنی برای آثار نمایشی در نظر گرفت و ضمانت اجرایی آن را متصور بود یا نه؟ اینجا هم مهم ترین بخش ماجرا «روشن بودن تکلیف مخاطب» است و نه حتی روشن بودن کسی که سرما به گذاشته و دوست دارد برای بازگشت سرما پاش به هر کاری دلش می خواهد دست بزند!

نیمه جشنواره ها



وارد نیمه دوم سال ۱۴۰۳ می شویم و طبق معمول با یکسری جشنواره روبه رو هستیم که برای «ارتقای کیفی سینمای ایران» طراحی شده اند. یعنی قرار است با برگزاری این رویدادها، دیده شدن و مورد قضاوت قرار گرفتن آثار، سره از ناسره تمییز داده شود و کیفیت آثار و کیفیت کار هنرمندان مورد ارزیابی داور و کارشناس و منتقد و مخاطب قرار گیرد تا در سال بعدش، کیفیت بالاتر برود. اینها را آوردم تا قبل از همه چیز در مقابل کسانی که می گویند اساسا این جشنواره ها به چه دردی می خورد، موضع مشخص باشد! به هر حال جشنواره هایی چون نهال، سینما حقیقت، فیلم کوتاه تهران، فجر و یکی دو رویداد مهم دیگر پیش روی مان است و باید دید نیمه پرلیوان در آرزوی برپایی موفق و پر فایده آنها هستیم.